

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری (مورد مطالعه: شهروندان شهر اهواز)

فرامرز رضایی^۱، محمد علی چیت ساز^۲، شاپور بهیان^۳

چکیده

همواره دولت‌ها و جوامع می‌کوشند تا از حداکثر مشارکت سیاسی شهروندان خود برخوردار شوند. روی دیگر، بی‌تفاوتی سیاسی است که می‌تواند به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر شود. هدف پژوهش حاضر بررسی تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز با تأکید بر دینداری در سال ۱۳۹۸ بود. روش پژوهش، توصیفی-همبستگی و از نظر هدف نیز پژوهشی کاربردی بود. جامعه آماری شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز (۸۰۰ هزار نفر) بودند که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر تعیین و با و با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی و خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که اعتبار آن از طریق اسناد مورد بررسی قرار گرفت (اعتبار صوری) و پایایی آن نیز با آزمون آلفای کرونباخ (۰/۸۴) به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های آماری همبستگی و رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS 24 استفاده شد. یافته‌ها نشان داد جنسیت، دینداری (اعتقادی، پیامدی، مناسکی، عاطفی، تجربی)، گرایش به هویت ملی، اعتماد اجتماعی، احساس عدالت اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی با بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معنی‌داری دارند و فقط سن با بی‌تفاوتی سیاسی فاقد رابطه بود. نتایج رگرسیون نیز نشان داد مجموع متغیرهای مورد بررسی توانستند به میزان $R^2 = 0/38$ واریانس متغیر بی‌تفاوتی سیاسی را تبیین نمایند.

واژگان کلیدی: تبیین جامعه‌شناختی، بی‌تفاوتی سیاسی، دینداری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

ایمیل: ziyari@vatanmail.ir

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مقدمه

توجه دولت‌ها به زندگی و زیست اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی شهروندان از یک سو و توجه و اهمیت شهروندان به امورات کشور همواره بحث جدی در ارتباط شهروندان و جوامع بوده است. توجه شهروندان به سرنوشت جامعه خویش نماینگر جامعه توسعه یافته و تجلی اجتماع مدنی است. در واقع حساسیت مردم به امورات مختلف جامعه از قبیل پیشرفت، عدالت، آموزش، سیاست و در یک کلام توسعه در مفهوم مشارکت قرار دارد. در مقابل مشارکت، بی‌تفاوتی قرار دارد. بی‌تفاوتی به نوعی از رفتارهای منفعل و بی‌تفاوت‌گرایانه شهروندان اطلاق می‌شود که نسبت به امورات و سرنوشت جامعه خویش حالت سکوت و یا نوعی بی‌تفاوتی از خود بروز می‌دهند (Esa & Heshim, 2017). بی‌تفاوتی سیاسی ناظر بر نوعی از رفتارهای منفعل و خنثی نسبت به واقع سیاسی و اجتماعی است که فرد توجه جدی از خود نشان نمی‌دهد. به طور مختصر، بی‌تفاوتی نوعی فقدان عاطفه احساس و عاطفه نسبت به محیط زندگی و عدم درگیری در پدیده‌های سیاسی و اجتماعی است (Akah & Ajah, 2020). بی‌تفاوتی یکی از عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن است که با تأکید بیش‌ازحد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی شهری معاصر نمود یافته و می‌تواند به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر شود (قاضی‌زاده و کیانپور، ۱۳۹۴).

با شتاب تغییرات اجتماعی افزایش توقعات شهروندان از دستگاه سیاسی در سایه رشد رسانه‌های جمعی میزان توجهات و فعالیت‌های سیاسی شهروندان با افت و خیر همراه بوده است چنانچه حتی جوامع توسعه یافته‌ای مانند اروپا نیز با نوعی افزایش بی‌تفاوتی سیاسی در شهروندان مواجه شده است (Pharr & Putnam, 2000; Norris, 2011; Papa Doulos, 2013; Allen & Birch, 2015). جلوه‌ها و صور بی‌تفاوتی سیاسی می‌تواند به شکل‌های مختلف عدم مشارکت در انتخابات، عدم حساسیت به سرنوشت جامعه، بی‌توجهی به منافع ملی، عدم اهمیت به نصایح حاکمان و ... باشد. بنابراین بی‌تفاوتی سیاسی دامنه گسترده‌ای از مسایل سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. یکی از بارزترین جلوه‌های مشارکت اعضای جامعه را می‌توان در رأی‌گیری‌ها و انجام انتخابات سراسری جستجو کرد (توسلی، ۱۳۸۲). در واقع، مشارکت در انتخابات و رأی‌دادن از مؤلفه‌های اساسی کنش سیاسی شهروندان محسوب می‌شود.

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری.....9

مشارکت مستلزم دخالت موثر در ارکان مختلف جامعه، به موقع و فراگیر و عمیق شهروندان در اداره جامعه خویش است (Kitaniva, 2019). مشارکت سیاسی نیز عبارت است از هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی محلی یا ملی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را به کار گیرد (Pay et al, 2002). شواهد نشان می‌دهند کشورهایی که مشارکت فعال شهروندان در جوانب مختلف اداره سیاسی کشور دارند، پاسخگوتر، مساوی طلب و دموکراتیک‌تر هستند (Tamaru & Reilly, 2018; UNDP, 2016; OECD, 2014). به تعبیر هانتینگتون (۱۹۹۶) نیز میزان توجه شهروندان و میزان مشارکت سیاسی آن مرز تفاوت جوامع سنتی و مدرن است (Marina, 2019). ریشه‌ها و علل کاهش مشارکت سیاسی شهروندان گوناگون و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. مطالعات نشان می‌دهند دینداری و مذهب عامل مهمی در مشارکت سیاسی است. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند افراد حتی اگر به هیچ مذهبی هم تعلق نداشته باشند باز سعی می‌کنند خود را وابسته به سازمان و نهادهای دینی معرفی کنند (دیوپ و گرانت، ۲۰۰۱). عدالت اجتماعی نیز عاملی است که برخی مطالعات نشان داده‌اند چنانچه افراد احساس عدالت اجتماعی داشته باشند بیشتر در امورات جامعه خود فعال بوده و نقش بیشتری ایفا می‌کنند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴). اعتماد اجتماعی نیز به رابطه دو طرفه شهروندان و جامعه مربوط می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهند چنانچه اعتماد اجتماعی افراد نسبت به جامعه خود بیشتر باشد افزایش مشارکت اجتماعی را می‌توان متصور بود (محبی و همکاران، ۱۳۹۵؛ لیبی و همکاران، ۱۳۹۵).

هویت نیز به عنوان مفهومی سیال و پیچیده می‌تواند در مشارکت و یا منفعل بودن رفتارهای افراد تأثیرگذار باشد. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند چنانچه افراد دارای هویت ملی قوی و وطن پرست‌تر باشند و به طور کل به هویت خود حس زیادی داشته باشند بیشتر در امورات مختلف اجتماعی و سیاسی جامعه شرکت می‌کنند (محبی و همکاران، ۱۳۹۵). کیفیت زندگی نیز به طور کل مربوط به زیستن افراد همراه با رفاه در ابعاد مختلف آن است. برخی تحقیقات نشان می‌دهند افراد برخوردار از کیفیت زندگی بالا بیشتر نسبت به امورات جامعه مدنی خود حساس‌تر و مشارکت بیشتری دارند (محمدی فر و همکاران،

۱۳۹۴؛ غفارزاده و خویی، ۱۳۹۵). سن و جنسیت نیز متغیرهای دیگری هستند که مورد توجه پژوهشگران بوده است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند سن و جنسیت با میزان رفتارهای سیاسی و مشارکت رابطه دارند (مجبی و همکاران، ۱۳۹۵؛ فرهمند و همکاران، ۱۳۹۵؛ علمی، ۱۳۸۷؛ زارع و روهنده، ۱۳۹۴). در کشورمان نیز می‌توان نوعی بی‌تفاوتی سیاسی را احساس کرد. چنانکه بر اساس آخرین دوره برگزاری مجلس شورای اسلامی (دوره یازدهم) میزان مشارکت سیاسی ایرانیان کمتر از نصف یعنی ۴۲ درصد بوده است که نسبت به ده دوره اخیر کمترین میزان مشارکت بوده و نوعی بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان قلمداد می‌شود (روزنامه عصر همشهری، ۱۳۹۹). شهر اهواز نیز به عنوان مرکز استان خوزستان یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران و یکی از استراتژیک‌ترین مناطق ایران از لحاظ سیاسی و اجتماعی هست. در این شهر ترکیب اقوام، مذاهب و گرایش‌های سیاسی متفاوتی رواج دارد و این وضعیت هویت‌های گوناگونی را به وجود آورده است. از دیرباز نقش سیاسی و مشارکت این شهر همواره رو به افزایش بوده است. به طوری که در دهه‌های اولیه انقلاب اسلامی همواره جزء بالاترین رفتارهای مشارکتی - سیاسی بوده است اما در سالیان اخیر مشارکت رفتارهای سیاسی دچار نوسانی شده و نوعی بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان رقم خورده است. چنانچه میزان مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی حدود ۴۲ درصد بوده است (عصر ایران، ۱۳۹۸). که این موضوع قابل مطالعه علمی و یک ضرورت است. مرور پیشینه موضوع نشان می‌دهد در کشورمان اگرچه تحقیقات نسبتاً متعددی در مورد بی‌تفاوتی اجتماعی انجام گرفته اما مطالعات بی‌تفاوتی سیاسی بسیار اندک بوده و خلا پژوهشی بشمار می‌رود. اندک تحقیقات موجود تنها رابطه دو و یا سه متغیر و عمدتاً متغیرهای جمعیت شناختی را مورد توجه قرار داده‌اند. اما نوآوری پژوهش حاضر این است تا حد امکان با مطالعه پیشینه مطالعات قبلی و ادبیات نظری متغیرهای بیشتری در ارتباط با بی‌تفاوتی سیاسی رصد نموده است که در تحقیقات قبلی به صورت منسجم وجود ندارند. بنابراین هدف اصلی بررسی عوامل موثر بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ می‌باشد.

مرور مطالعات پیشین در برگیرنده نتایج تحقیقات محققان داخلی و خارجی است که به بررسی موضوع مورد مطالعه در این تحقیق پرداخته‌اند. رضاپور و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی نتیجه گرفتند بین

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری.....11

بی‌تفاوتی اجتماعی (بی‌تفاوتی اجتماعی از بعد احساسی) و زمینه اجتماعی بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد. بین بی‌تفاوتی سیاسی (بی‌تفاوتی سیاسی از بعد احساسی و شناختی) و زمینه اقتصادی بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد. بین بی‌تفاوتی اجتماعی (بی‌تفاوتی اجتماعی از بعد احساسی و رفتاری) و زمینه فرهنگی بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین بی‌تفاوتی اجتماعی (بی‌تفاوتی سیاسی از بعد احساسی و رفتاری) و زمینه سیاسی بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد. جهانگیری و محمدی (۱۳۹۷) در پژوهشی نتیجه گرفتند از میان مؤلفه‌های امید سیاسی، اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی، اعتقاد به مشروعیت حکومت و خوش بینی به سیاست‌گذاری‌ها، در مجموع ۱۵ درصد تغییرات بی‌تفاوتی دانشجویان نسبت به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را تبیین می‌کنند. باقریان و خوشفر (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان رابطه بین دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه مازندران با روش پیمایشی نتیجه گرفتند میان ابعاد دینداری و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان همبستگی‌های معناداری وجود دارد. حبیبی پور گتایی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی نتیجه گرفتند بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با مشارکت سیاسی شهروندان قم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین هرچه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی عنصر آگاهی باکیفیت‌تر، به هنگام‌تر و اجرایی‌تر باشد، می‌تواند موجب افزایش مشارکت سیاسی شهروندان در سطحی بالاتر شود. نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان رابطه عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی موثر بر مشارکت سیاسی جوانان، نتیجه گرفتند بین رسانه‌های جمعی، تعهد مذهبی، اعتماد اجتماعی، سیاسی بودن دوستان و سیاسی بودن خانواده با مشارکت سیاسی جوانان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بین مشارکت سیاسی جوانان برحسب وضعیت تأهل و محل سکونت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

قاضی‌زاده و کیانپور (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان نتیجه گرفتند بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی (۰/۶۲-) و نیز سرمایه اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی (۰/۳۴-) ارتباطات معنادار و معکوسی برقرار است. ایمان و مقدس (۱۳۸۱) در پژوهشی نتیجه گرفتند بین متغیر سیاسی بودن دوستان، عضویت در انجمن‌های اداری، علاقه به برنامه‌های سیاسی، خانواده سیاسی، مذهبی بودن، آگاهی سیاسی، جنسیت، مشارکت در تدوین

تصمیم‌گیری‌های محل کار با متغیر مشارکت سیاسی جوانان رابطه معناداری داشته و در مجموع ۳۱ درصد از واریانس آن را تبیین کرده‌اند.

در پژوهشی که توسط ماریانا^۱ (۲۰۱۹) انجام شد محقق نتیجه گرفت بی‌تفاوتی سیاسی به یک روشی زندگی جدید در جهان بدل شده است. به طور کلی، ملت‌ها رفته‌رفته به نظام دموکراسی پشت می‌کنند. وقوع حوادث ناگوار، ناتوانی در حل آن، توجیه کردن رفتارهای سیاسی، از دست رفتن عنصر اعتماد عمیق، بی‌توجهی به منافع مردم، نگاه ابزاری به نقش مردم در جامعه در بی‌تفاوتی سیاسی مؤثر است. در پژوهشی دیگر تاین^۲ (۲۰۱۸) نتیجه گرفت افرادی که در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا شرکت داشتند، اکثریت با بی‌تفاوتی سیاسی یا سکوت سیاسی مواجهه بودند، علت این مسئله در دل‌زدگی از گفتمان سیاسی، عدم موفقیت در حل مسائل اقتصادی-اجتماعی، کاهش پتانسیل اعتماد در سطح سیاسی بین مردم نهفته است. در پژوهشی دیگر دال و همکاران^۳ (۲۰۱۸) نتیجه گرفتند بی‌تفاوتی سیاسی در جامعه وقتی رخ می‌دهد که مردم به درک و پنداشتی از نظام سیاسی درباره انتظارات خود برسند. مجموعاً، مشارکت سیاسی تابع اعتماد سیاسی است. با نبود اعتماد به نامزدهای انتخاباتی و ارگان سیاسی، به‌مرور وضعیت بی‌تفاوتی حاکم می‌شود که به نوعی حاکی از حکمرانی ضعیف، وجود احساس ناکارآمدی و نبود اثربخشی مشارکت‌کنندگان در سطح سیاسی است. در پژوهش سارکر و اسلام^۴ (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بنگلادش پرداختند. آنان نتیجه گرفتند اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی با فعالیت‌های سیاسی رابطه معناداری دارد. هرچه اعتماد شهروندان بالای ۲۳ سال بیشتر باشد بیشتر می‌توان شاهد مشارکت شهروندان در فعالیت‌های مختلف سیاسی بود. چن و زانگ^۵ (۲۰۱۲) در پژوهشی نتیجه گرفتند عواملی مانند احساس اثربخشی، وابستگی حزبی شهروندان، موقعیت شغلی و رضایت اجتماعی بر روی بی‌تفاوتی سیاسی اثرگذار هستند.

¹ Marianna

² Tain

³ Dahl & et. al

⁴ Sarker & Islam

⁵ Chen & Zhang

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری.....13

پژوهش حاضر باعث توسعه و غنی‌تر شدن پیشینه نظری و پژوهشی تحقیق می‌گردد و از سویی چون به موضوع بی‌تفاوتی سیاسی در تحقیقات علمی کشور بسیار کم پرداخته شده است، لذا انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد.

در تحقیق حاضر فرضیه‌های زیر به بررسی نهاده شده‌اند:

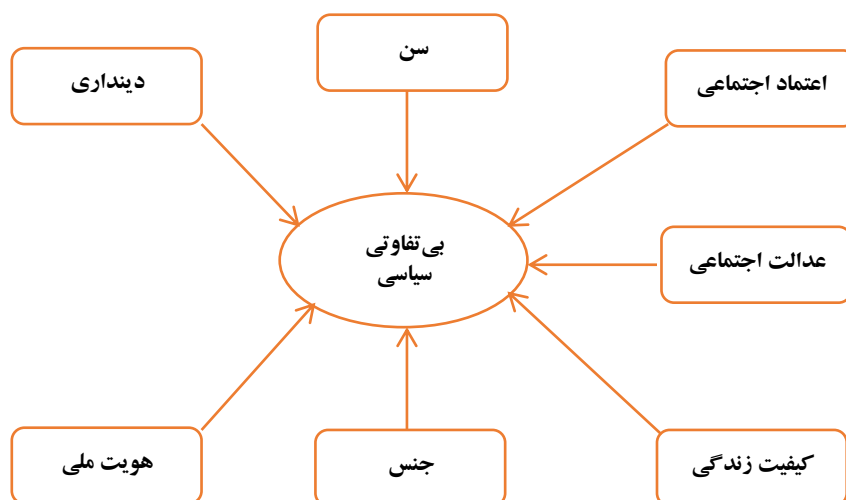
بین دینداری و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد.
بین هویت ملی و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد.
بین اعتماد اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد.
بین احساس عدالت اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد.
بین رضایت از کیفیت زندگی و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز رابطه وجود دارد.
بین سن و بی‌تفاوتی سیاسی رابطه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز وجود دارد.
بین جنس و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز تفاوت وجود دارد.
با توجه به فرضیه‌های بالا هدف اصلی تبیین جامعه‌شناختی عوامل بی‌تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری (مورد مطالعه: شهروندان شهر اهواز) می‌باشد. نظریه‌های زیر پشتوانه فرضیه‌های بالا هستند: به اعتقاد گابریل آلموند و سیدنی وربا در طول تاریخ در نظام کشورهای جهان سوم نوعی فرهنگ پدید آمده که مانع از پیشرفت توسعه سیاسی می‌شود. می‌توان با بهره‌گیری از مکانیسم‌هایی چون بالا بردن سطح سواد و توزیع مجدد ثروت به تدریج آثار سوء را از میان برد تا افراد برای پذیرش مسئولیت‌ها و ایفای نقش سیاسی جدید و نیز وارد کردن در فرایند تصمیم‌گیری آماده ساخت (قوام، ۱۳۸۹). آلموند و وربا سه نوع فرهنگ سیاسی را مطرح کرده‌اند: فرهنگ سیاسی کوتاه‌بینانه که با آگاهی اندک از حکومت و انتظارات اندک مشخص می‌گردد؛ فرهنگ سیاسی ذهنی با میزان آگاهی و انتظار بالاتر اما میزان مشارکت اندک و فرهنگ مشارکتی با میزان آگاهی، انتظارات و مشارکت زیاد مشخص می‌گردد (راش، ۱۳۸۹).
دل‌زدگی سیاسی که در شهروندان تابعی از یک نوع فرهنگ سیاسی است که از وضع توسعه، کیفیت زندگی، اعتماد به آن نظام سیاسی و همچنین سطحی از عدالت اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. شهروندانی که اطلاعات خوبی دارند، به توانایی‌های خود بر اعمال نفوذ بر دیگران اعتماد دارند، یا مراتب امور سیاسی

هستند، یا خود را موظف به مشارکت می‌دانند، از فرصت‌هایی که برای مشارکت جستن وجود دارد، استفاده می‌کنند (Almond, 2000). آلموند اجتماعی شدن سیاسی را یکی از سه کارکرد درون‌دادها در نظام سیاسی در جهت اثبات و تعادل سیستم در نظر می‌گیرد و فرهنگ سیاسی را نتیجه اجتماعی شدن سیاسی می‌داند و تجربه به‌دست‌آمده در طول این فرایند است که مهارت‌های لازم را برای تعامل سیاسی در افراد به وجود می‌آورد و افراد را به مشارکت فعال در نظام سیاسی تشویق می‌نماید (راش، ۱۳۸۹). سه عامل منابع (شامل وقت، پول و مهارت‌های سازمانی)، عوامل روانی فعالیت سیاسی (علاقه شدید به سیاست، دانش سیاسی) و شبکه عضوگیری (عضویت در سازمان‌های داوطلبانه، محل کار) فعالیت سیاسی را تسهیل می‌کند (Barkan, 1998).

ساموئل هانتینگتون معتقد است که مشارکت سیاسی امری عینی و مجزا از نگرش‌های ذهنی فرد است و در تجزیه و تحلیل عواملی که مشارکت سیاسی را تشکیل می‌دهند باید به وضعیت نظام سیاسی جامعه توجه کرد. در کشورهای در حال توسعه، مشارکت اجتماعی به‌طور اعم و مشارکت سیاسی به‌طور اخص، فی‌نفسه هدف محسوب نمی‌شود. به این معنا که نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی یا اصلاحات اجتماعی یا کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، مشارکت بخش‌هایی از جامعه را در سیاست تسهیل و تشویق می‌کنند یا اینکه چون توسعه اقتصادی و اجتماعی فرصت‌های تحرک اقتصادی و اجتماعی را بیشتر می‌کند و به ایجاد طبقه متوسط منجر می‌شود که بنابراین ظهور این طبقه جدید با افزایش خواست مشارکت‌جویی همراه است (ریبی، ۱۳۸۱). یعنی با کاهش نابرابری (بی‌عدالتی اجتماعی) و افزایش رفاه اجتماعی (رضایت از زندگی)، تعلق سیاسی مردم نیز افزایش می‌یابد. هانتینگتون وجود بحران‌های سیاسی و نابسامانی‌ها (شکاف طبقاتی، بی‌ثباتی اقتصادی، افت کیفیت زندگی شهروندان، بحران هویت ملی، تضعیف سرمایه سیاسی - اجتماعی و باورهای مذهبی) در جوامع در حال توسعه را در رابطه تنگاتنگ با تقاضای مشارکت از یک سو و فقدان نهادهای سیاسی برای جذب مشارکت‌ها از سوی دیگر می‌داند. دگرگونی‌های اجتماعی، شهرنشینی، بالا رفتن سطح سواد، آموزش، صنعتی شدن، توسعه وسایل ارتباط جمعی دامنه آگاهی سیاسی را افزایش می‌دهد و خواسته‌های سیاسی را چند برابر می‌سازد و پهنه اشتراک سیاسی را وسعت می‌بخشد (هانتینگتون، ۱۳۸۹).

15.....تبیین جامعه شناختی عوامل مرتبط با بی تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری

به زعم مارتین لیپست با افزایش سطح توسعه اقتصادی (افزایش کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، کاهش بی‌اعتمادی)، بهبودی افزون برای اکثریت حاصل می‌شود؛ دسترسی همگان به بهداشت و آموزش بیشتر می‌شود و سطح برابری در مصرف (عدالت اجتماعی) افزایش می‌یابد؛ تعداد موضع کمکی زیاد می‌شود و به دنبال آن طبقه متوسط نیز گسترش می‌یابد. این‌ها همه موجب می‌شوند که تقاضای اکثریت برای افزایش آزادی سیاسی و تفویض قدرت سیاسی در جامعه تقویت و تشدید شود (چلبی، ۱۳۸۹). میان توسعه سیاسی (به معنای دموکراسی) و عوامل اجتماعی و اقتصادی همبستگی وجود دارد. وی برخی از کشورها را برحسب شاخص‌های اقتصادی مختلفی مانند درآمد ملی، صنعت، آموزش و شهرنشینی با یکدیگر مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که نظام‌های سیاسی عقب‌مانده و توسعه‌یافته بر مبنای این شاخص‌ها با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند (بشریه، ۱۳۸۱).



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر توصیفی-همبستگی و از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر زمانی نیز پژوهشی مقطعی است. جامعه آماری پژوهش شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ بودند که بر اساس آخرین سرشماری رسمی آمار تعداد آن‌ها حدود ۸۰۰ هزار نفر بوده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر حاصل شد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای (ابتدا کل شهر به چهار ناحیه تقسیم شد. سپس به تصادف یک ناحیه انتخاب شد و تمام پرسش‌شوندگان هدف) مورد پرسش قرار گرفتند. شایان ذکر است برای کم کردن ریزش احتمالی نمونه ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شد که در نهایت با مخدوش بودن ۲۰ مورد در نهایت ۳۸۰ پرسشنامه سالم مورد تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش شامل: ۱- پرسشنامه محقق ساخته بی‌تفاوتی سیاسی: این پرسشنامه دارای ۲۸ گویه می‌باشد و بر اساس طیف ۵ قسمتی لیکرت به صورت (خیلی زیاد، ۵، زیاد، ۴، تا حدودی، ۳، کم، ۲ و خیلی کم، ۱) نمره‌گذاری و سعی شد ترکیب سوالات به صورت مثبت و منفی در نظر گرفته شود. دامنه نمرات آن بین ۲۸ تا ۱۴۰ است که حد نمره بین ۲۸ تا ۵۸ بی‌تفاوتی سیاسی کم، دامنه بین ۵۸ تا ۸۸ متوسط و بین ۸۸ تا ۱۱۸ سطح بی‌تفاوتی سیاسی زیاد می‌باشد. ۲- پرسشنامه استاندارد دینداری گلاک و استارک (۱۹۶۵): این پرسشنامه دارای ۲۶ گویه است و از ۵ بعد (مناسکی، تجربی، اعتقادی، فکری و پیامدی) به سنجش دینداری افراد می‌پردازد. شیوه نمره‌گذاری آن بین ۰ تا ۴ است.

نمرات ۰ تا ۲۶ بیانگر دینداری ضعیف، ۲۶ تا ۷۸ نشان دهنده دینداری متوسط و دامنه ۷۸ تا ۱۰۴ بیانگر دینداری بالا می‌باشد. این پرسشنامه در ایران مورد استفاده پژوهشگران بوده است. سراج زاده (۱۳۷۸) پایایی آن را حدود ۸۰ برای کل پرسشنامه گزارش کرده است. عبدی و رضایی (۱۳۹۳) نیز سطح اعتبار آن را مطلوب گزارش کرده‌اند. ۳- پرسشنامه عدالت اجتماعی: این پرسشنامه دارای ۲ بعد عدالت رویه‌ای و توزیعی و ۱۵ گویه است و بر اساس طیف لیکرت سنجیده می‌شود.

در پژوهش هزار جریبی (۱۳۹۰) اعتبار این گویه‌ها مورد تایید بوده است. برای سنجش متغیر هویت ملی نیز ۳ بعد و ۱۵ گویه در نظر گرفته شد. ابعاد هویت ملی شامل هویت تاریخی، سیاسی و فرهنگی بود. اعتماد اجتماعی: (با دو شاخص اعتماد غیررسمی و اعتماد رسمی با ۸ گویه) و برای سنجش رضایت از

تبیین جامعه شناختی عوامل مرتبط با بی تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری.....17

کیفیت زندگی شاخص رضایت از سلامتی، رضایت از دوستان و خانواده و رضایت از وضعیت مالی با ۸ گویه) در قالب طیف لیکرت اندازه گیری شده‌اند. برای اعتبار پرسشنامه از روایی صوری و توزیع مقدماتی استفاده شد و برای پایایی ابزار نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد جدول(۱).

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (آزمون‌های همبستگی و رگرسیون) از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ استفاده شد.

جدول ۱: آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیرها	ابعاد	تعداد گویه	میزان آلفا
بی تفاوتی سیاسی	2	28	0/90
دینداری	4	26	0/88
هویت ملی	3	8	0/82
اعتماد اجتماعی	2	8	0/72
احساس عدالت اجتماعی	3	15	0/86
رضایت از زندگی	3	14	0/75
کل پرسشنامه			0/84

یافته‌ها

الف- یافته‌های توصیفی

در نمونه آماری ۵۲/۶۶ درصد پاسخگویان مرد و ۴۷/۳۴ درصد دیگر خانم بودند. ۴۵/۳۳ درصد مجرد و ۵۴/۶۷ درصد متأهل بودند. بیشترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۳۰-۲۶ سال (۱۶/۶۶) و کمترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۶۰ سال به بالا (۲/۵۰) بودند.

از نظر تحصیلات، ۷۶ نفر معادل (۲۰ درصد) بی سواد، ۹۵ نفر معادل (۲۵ درصد) دارای دیپلم، ۶۲ نفر معادل (۱۶/۳۱ درصد) کاردانی، ۱۲۰ نفر معادل (۳۱/۶۹ درصد) کارشناسی و ۲۷ نفر معادل (۷ درصد) دارای مدرک دکتری بودند. در جدول (۲) شاخص‌های مرکزی و میانگین متغیرها ذکر شده است.

جدول ۲. شاخص‌های مرکزی متغیرهای پژوهش

وضعیت مؤلفه					شاخص‌های توصیفی		متغیرهای پژوهش
خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین	انحراف معیار	میانگین	
16/33	19/66	41/83	13	9/16	0/88	3/21	اعتماد اجتماعی
16/83	23/66	38/33	10/33	10/83	0/89	3/25	گرایش به هویت ملی
12/5	20	47/5	11/66	8/33	0/89	3/16	رضایت از کیفیت زندگی
15/33	20/83	35/67	15	13/77	0/89	3/10	احساس عدالت اجتماعی
24/33	20/34	34/17	15/33	5/83	1/09	3/43	بی‌تفاوتی سیاسی
10/34	27/28	39/29	13/00	10/10	1/11	3/35	دینداری

بر اساس نتایج جدول (۲) میانگین متغیرهای اصلی پژوهش بر حسب دامنه نمرات بین ۱ تا ۵ نشان می‌دهد بی‌تفاوتی سیاسی بیشترین میانگین (۳/۴۳) و کمترین مربوط به عدالت اجتماعی (۳/۱۰) است.

ب. یافته‌های استنباطی

پیش از بررسی فرضیه‌ها، برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون آماری کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد که نتایج در جدول (۳) ارائه شده‌اند.

جدول ۳: آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش (کولموگروف - اسمیرنوف)

آزمون کولموگروف - اسمیرنوف		متغیر
Z	سطح معناداری	
0/113	0/197	بی‌تفاوتی سیاسی
0/149	0/264	دینداری
0/224	0/234	هویت ملی
0/146	0/129	کیفیت زندگی
0/111	0/167	اعتماد اجتماعی
0/133	0/101	احساس عدالت اجتماعی

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد چون سطح معناداری همه متغیرهای پژوهش بالاتر از $p > 0/05$ است می‌توان نتیجه گرفت توزیع داده‌ها نرمال است.

19 تبیین جامعه شناختی عوامل مرتبط با بی تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری.....

برای بررسی فرضیه (۱) از آزمون T مستقل استفاده شده است که نتیجه آن در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین بی تفاوتی سیاسی به تفکیک جنسیت

جنسیت	میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
مرد	3/15	5/39	598	0/000
زن	3/71			

بر اساس نتیجه خروجی جدول (۴) مقدار t محاسبه شده ۵/۳۹ و از سوی دیگر مقدار t جدول با درجه آزادی ۵۹۸ برابر ۱/۹۶ هست، بنابراین چون قدر مطلق t محاسبه شده بیشتر از t جدول هست پس می توان ادعا کرد که در سطح معناداری ۰/۰۵ و با ۹۵٪ فاصله اطمینان، بی تفاوتی سیاسی در بین دو گروه زن و مرد متفاوت است و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار است. از سوی دیگر سطح معناداری از ۰/۰۵ کمتر بوده و می توان با ۰/۹۵ اطمینان فرض تحقیق را تأیید کرد. در نهایت می توان گفت که بی تفاوتی سیاسی در بین پاسخگویان زن بیشتر از پاسخگویان مرد است. برای بررسی سایر فرضیات از آزمون همبستگی استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج ضریب همبستگی حاصل از آزمون پیرسون

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار پیرسون	معناداری	نتیجه فرضیه
بعد اعتقادی دین داری	نتایج سیاسی مردان	-0/35	0/000	تأیید
بعد پیامدی دین داری		-0/26	0/000	تأیید
بعد مناسکی دین داری		-0/33	0/000	تأیید
بعد عاطفی دین داری		-0/24	0/000	تأیید
بعد تجربی دین داری		-0/34	0/000	تأیید
دینداری کل		-0/29	0/000	تأیید
گرایش به هویت ملی		-0/37	0/000	تأیید
اعتماد اجتماعی		-0/41	0/000	تأیید
احساس عدالت اجتماعی		-0/44	0/000	تأیید
رضایت از کیفیت زندگی		-0/33	0/000	تأیید
سن		-0/12	0/091	رد

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد بین دو متغیر دینداری و بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معنادار و منفی وجود دارد ($r = -0/29$). همچنین تمام مولفه‌های دینداری نیز با بی‌تفاوتی سیاسی دارای رابطه هستند. از میان ابعاد دینداری بعد اعتقادی دینداری با میزان همبستگی ($r = -0/35$) و بعد عاطفی دینداری ($r = -0/24$) به ترتیب بیشترین و کمترین همبستگی با بی‌تفاوتی سیاسی دارند.

نتیجه فرضیه گرایش به هویت ملی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز تایید شد. میزان همبستگی دو متغیر ($r = -0/37$). حاصل شد بدین معنا هرچه گرایش هویت ملی بالاتر باشد بی‌تفاوتی سیاسی کمتر است.

نتیجه فرضیه بعدی وجود رابطه بین اعتماد اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز مورد تایید واقع شد. میزان همبستگی بین دو متغیر ($r = -0/41$). حاصل شد. در واقع می‌توان گفت هرچه اعتماد اجتماعی در بین شهروندان بیشتر باشد میزان بی‌تفاوتی سیاسی آنان کمتر می‌شود.

بین دو متغیر احساس عدالت اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز رابطه معناداری حاصل شد.. میزان همبستگی دو متغیر ($r = -0/44$). حاصل شد. به عبارتی هرچه احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان بیشتر باشد میزان بی‌تفاوتی سیاسی آنان کمتر می‌شود.

بین سن و بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معناداری مشاهده نشد. با توجه به سطح معناداری که بیشتر از پنج درصد بود می‌توان گفت که رابطه معناداری بین دو متغیر وجود ندارد.

در نهایت فرضیه وجود رابطه بین رضایت از کیفیت زندگی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز تایید شد. میزان همبستگی دو متغیر ($r = -0/33$). حاصل شد. بر این اساس، هرچه رضایت از کیفیت زندگی در بین شهروندان بیشتر باشد میزان بی‌تفاوتی سیاسی آنان کمتر می‌شود.

در ادامه برای بررسی پیش‌بینی اثر متغیرهای مستقل بر متغیر ملاک (بی‌تفاوتی سیاسی) از رگرسیون همزمان استفاده شده است. ابتدا جهت بررسی استقلال تمامی داده‌ها از آزمون دوربین- واتسن بر روی باقیمانده‌ها انجام گرفت که مقدار بسیار نزدیک به ۲ برای آن ($1/96$ مطابق جدول ۶) نشانگر نبود همبستگی بین داده‌های متوالی است و مورد تأیید است. همچنین تحلیل واریانس رگرسیون که نشان دهنده استقلال خطاهاست، برای تمامی مدل معنادار و برابر $21/98$ می‌باشد. همچنین عدم همخطی

21.....تبیین جامعه شناختی عوامل مرتبط با بی تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری

چندگانه توسط دو شاخص عامل تورم واریانس و تولرانس مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که مقادیر عامل تورم واریانس و تولرانس در پائین تر از دامنه مشخص شده (مقادیر کمتر از ۱۰ شاخص عامل تورم واریانس و مقادیر کمتر از ۱ برای شاخص تولرانس، برای تشکیل مدل مناسب می باشند) می باشند. بنابراین هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. با عنایت به مجموع بررسی های انجام شده، می توان تناسب داده ها را برای اجرای مدل رگرسیونی مناسب و نتایج به دست آمده را معتبر دانست.

جدول ۶. رگرسیون چندگانه: پیش بینی متغیر بی تفاوتی سیاسی

D.W	Tol	VIF	sig	t	β	B	متغیرهای مستقل
1/88	0/785	1/27	0/004	-2/95	-	0/291	مقدار ثابت
	0/846	2/25	0/000	-3/47	-0/442	0/404	احساس عدالت اجتماعی
	0/773	2/87	0/000	-3/98	-0/422	0/444	اعتماد اجتماعی
	0/776	2/44	0/000	-2/57	-3/96	0/333	گرایش به هویت ملی
	0/278	2/77	0/000	-3/88	-/376	/0321	بعد اعتقادی دین داری
	0/425	2/85	0/000	-2/97	-/355	0/341	بعد مناسکی دین داری
	0/356	1/89	0/001	-2/20	-/322	0/305	بعد تجربی دین داری
	0/236	1/78	0/002	-2/18	-/288	.0/202	بعد پیامدی دین داری
	0/220	1/54	0/002	-1/99	-/212	0/188	بعد عاطفی دین داری
	0/514	2/25	0/001	-2/33	-/330	.0/317	رضایت از کیفیت زندگی
			F=21/98	R= -.62	R ² =0/38		

نتایج جدول (۶) نشان می دهد تمامی مؤلفه های مدل، دارای مقادیر t بیشتر از ۲ و مقدار سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ هستند؛ بنابراین این متغیرها پیش بینی کننده بی تفاوتی سیاسی شهروندان هستند. در این مدل قوی ترین پیش بینی کننده، متغیر احساس عدالت اجتماعی است که مقدار تأثیر آن برابر ۰/۴۴۲- است (B= -۰/۴۴۲). متغیر پیش بینی دیگر اعتماد اجتماعی با B= -۰/۴۲۲ است و کم ترین پیش بین کننده نیز بعد عاطفی دینداری B=۰/۲۱۲ است. لازم به ذکر است که همبستگی چندگانه متغیرهای پیش بین با بی تفاوتی سیاسی نسبتاً قوی (R= -۰/۶۲) است. در نهایت مجموع متغیرهای پژوهش توانستند به میزان ۰/۳۸ تغییرات متغیر بی تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز را تبیین کنند (R²=۰/۳۸).

بحث و نتیجه گیری

مشارکت و درگیری فعال شهروندان یک کشور در نظام سیاسی، می‌تواند زمینه توسعه آن را فراهم کند. در نقطه مقابل، بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان نیز می‌تواند مانع تحقق توسعه جامعه باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر نیز بررسی عوامل موثر بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز بود. یافته‌ها نشان داد بین جنسیت و بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان تفاوت وجود دارد بدین معنا که بی‌تفاوتی سیاسی در نزد زنان بیشتر از مردان است. این یافته با پژوهش‌هایی مانند محبی و همکاران (۲۰۱۶)؛ فرهمند و همکاران (۲۰۱۶)؛ سیدامامی (۱۳۸۶) و ایمان و مقدس (۱۳۸۱) که نتیجه گرفته بودند بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد؛ همسو است. در این تبیین این رابطه باید گفت زنان عموماً بیشتر در خانه هستند و کمتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت دارند. یک دلیل می‌تواند این باشد که در نمونه پژوهش حضور زنان کم سواد نسبتاً زیاد بود (۰/۲۱) این می‌تواند یکی از دلایل اصلی باشد که آنان کمتر در فعالیت‌های سیاسی شرکت کرده‌اند. همچنین باید اشاره کرد به طور کل در فرهنگ عرب از زنان انتظار کمتری می‌رود در امور سیاسی و اجتماعی مشارکت داشته باشند اگرچه پژوهش حاضر ترکیبی از زنان اقوام مختلف از جمله عرب شهر اهواز بودند لذا می‌توان نتیجه گرفت بی‌تفاوتی سیاسی در نزد آنان بیشتر باشد. نتیجه فرضیه رابطه بین سن و بی‌تفاوتی سیاسی تایید نشد. به عبارتی بین دو متغیر رابطه معناداری مشاهده نشد. این نتیجه با یافته‌های محبی و همکاران (۲۰۱۵) و فرهمند و همکاران (۲۰۱۶) که نتیجه گرفتند بین سن و بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معناداری وجود دارد مغایرت دارد. در این مورد می‌توان گفت نمونه مطالعه شهروندان بالای ۱۸ سال و از گروه‌های سنی مختلف بودند که بیشتر در گروه سنی بین ۳۰ تا ۴۰ بودند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت گروه‌های سنی میانه به خاطر شور و هیجان کمتر و درگیری بیشتر با زندگی روزمره میل کمتری به مشارکت داشته باشند. علاوه بر این برای قضاوت دقیق‌تر در مورد رابطه یا عدم رابطه به نمونه جامعه آماری متنوع‌تری در مکان‌های مختلف نیاز است. با این وجود نتیجه پژوهش حاضر مبین این است که بین سن و بی‌تفاوتی سیاسی رابطه معناداری وجود ندارد و به نظر می‌آید بی‌تفاوتی سیاسی در بین همه گروه‌های سنی وجود دارد.

فرضیه دیگر پژوهش مبنی بر رابطه بین دینداری و بی‌تفاوتی سیاسی نیز تایید شد. تمام ابعاد متغیر دینداری با بی‌تفاوتی سیاسی رابطه منفی و معناداری داشتند. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های نگین تاجی و

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری.....23

کشاوری (۱۳۹۴)، ایمان و مقدس (۱۳۸۱)، محبی و همکاران (۲۰۱۶)، باقریان و خوش‌فر (۲۰۱۷) و دریسکیل و همکاران (۲۰۰۸) همسو و نتایج آنان را تأیید می‌کند. در مورد رابطه دینداری و بی‌تفاوتی سیاسی می‌توان گفت به طور کل دین و مذهب عاملی نیرومند در ایجاد باورها و اعتقادهای افراد عمل می‌کند و پیروی از این مجموعه آموزه‌ها لازم و ضروری است. به باور دورکیم دین و مذهب می‌تواند به مثابه نیرویی انسجام‌بخش عمل نماید. کارکردگرایان نیز برای دین کارکرد انسجام‌بخشی قایل بودند. بخشی زیادی از این انسجام در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد. افراد مطابق باورهای دینی خود عمل می‌کنند و بخشی از باورهای دینی در بیشتر ادیان مشارکت و فعالیت در زندگی در بعد فردی و جمعی است. بنابراین شرکت در امورات سیاسی و اجتماعی نیز در همین مقوله است. به طور مختصر دینداری، افراد را به شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به منزله انجام بخشی از بعد دینداری (مناسکی) سوق می‌دهد که انجام و یا عدم آن مطابق آموزه‌های دینی با خرسندی و یا سرزنش فرد همراه است. برای مثال در کشورمان نیز شرکت در امورات سیاسی به ویژه انتخاب به عنوان تکلیف شرعی و دینی از سوی بزرگان دین محسوب می‌شود لذا می‌توان نتیجه گرفت که دینداری نیرویی برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ایجاد می‌کند و هرچه دینداری بیشتر باشد انتظار مشارکت بیشتر داشت.

نتیجه فرضیه رابطه بین گرایش به هویت ملی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز حاکی از رابطه معناداری بود. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های قاضی‌زاده و کیانپور (۱۳۹۴) و حسنی (۱۳۸۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت هویت ملی احساس تعلق به وطن و سرزمین و تاریخ خود است. هرگاه این حس در افراد بیشتر باشد احساس غرور و تعصب به هویت آنان افزایش پیدا می‌کند همین می‌تواند به درگیری و فعالیت بیشتر فرد در امورات سیاسی و اجتماعی منجر شود. نمونه بارز آن را می‌توان دفاع از آب و خاک کشور در طول جنگ تحمیلی مشاهده کرد در واقع حس وطن دوستی و دفاع از هویت ملی به نوعی انگیزختن افراد به دفاع از هویت کشور منجر شد که می‌توان همین را در قالب مشارکت سیاسی در بعد دفاعی و رزمی دانست. لذا می‌توان نتیجه گرفت هویت ملی می‌تواند افراد را نسبت به امورات و سرنوشت کشور خود حساس تر و فعال تر نماید.

نتیجه فرضیه رابطه بین اعتماد اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان نیز تأیید شد. یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین اعتماد اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی با یافته‌های پژوهش‌های پاپستوفنوا (۲۰۱۹)، تین (۲۰۱۸)، داهل و همکاران (۲۰۱۸)، لیو و همکاران (۲۰۰۷)، من لیم (۲۰۰۶)، حبیب پور گنجابی و همکاران (۱۳۹۵)، نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴) و رفعت جاه و رحیمی (۱۳۹۴) همسو و همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت اعتماد اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین محورهای پیوند اجتماعی است که افراد را به دور هم به واسطه نیازهای متقابل گرد می‌آورد. می‌توان گفت چنانچه اعتماد شهروندان به دولتمردان زیاد باشد میزان مشارکت افزایش و عکس آن نیز صادق است. اعتماد مستلزم این باور است که دولتمردان قابل اعتماد هستند و به نیازهای شهروندان توجه می‌نمایند در چنین شرایطی می‌توان انتظار مشارکت سیاسی بیشتر را شاهد بود اما چنانچه شهروندان احساس نمایند اعتماد طرفا یک طرفه است و پاسخ متقابلی در پی ندارد ممکن است به تدریج از میزان توجه به امورات سیاسی و مشارکت آنان کاسته شود.

نتیجه فرضیه بعدی مبنی بر وجود رابطه بین احساس عدالت اجتماعی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز نیز تأیید شد. این یافته با نتایج تحقیقات پاپستوفنوا (۲۰۱۹)، تین (۲۰۱۸)، داهل و همکاران (۲۰۱۸)، لیو و همکاران (۲۰۰۷)، من لیم (۲۰۰۶)، نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴) و حسنی (۱۳۸۹) همسو است. هانتینگتون معتقد بود با کاهش بی‌عدالتی اجتماعی و افزایش رفاه اجتماعی (رضایت از زندگی) تعلق سیاسی مردم نیز افزایش می‌یابد و افزایش بی‌عدالتی کاهش مشارکت شهروندان را در پی خواهد داشت (هانتینگتون، ۱۳۸۹). بنابراین عدالت زمینه‌ای فراهم می‌کند که افراد خود را سهم در قدرت و تصمیم‌گیری بدانند و از این رو برای حفظ سهم قدرت خود در امورات سیاسی مشارکت سیاسی نمایند. در نهایت نتیجه فرضیه وجود رابطه بین رضایت از کیفیت زندگی و بی‌تفاوتی سیاسی در بین شهروندان شهر اهواز رابطه نیز تأیید شد. در پژوهش‌های پاپستوفنوا (۲۰۱۹)، تین (۲۰۱۸)، داهل و همکاران (۲۰۱۸)، لیو و همکاران (۲۰۰۷)، من لیم (۲۰۰۶)، رفعت جاه و رحیمی (۱۳۹۴) نیز چنین یافته‌ای مشاهده می‌شود که نتایج پژوهش حاضر نیز آنان را تأیید می‌کند. در تحلیل این یافته باید گفت کیفیت زندگی به نگرش فرد از چگونگی زیستن مربوط می‌شود به طور کل کیفیت زندگی می‌تواند امری نسبی و از جامعه به جامعه

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری.....25

دیگر متفاوت باشد. لیست معتقد بود با افزایش سطح توسعه اقتصادی (افزایش کیفیت زندگی)، بهبودی افزون برای اکثریت حاصل می‌شود؛ دسترسی همگان به بهداشت و آموزش بیشتر می‌شود و سطح برابری در مصرف (عدالت اجتماعی) افزایش می‌یابد (چلبی، ۱۳۸۱). کشورها از نظر شاخص‌های اقتصادی مختلفی مانند درآمد ملی، صنعت، آموزش و شهرنشینی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که میزان کیفیت زندگی آنان را رقم می‌زند و همبستگی موجود بین توسعه سیاسی و اقتصادی به همین مربوط است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت چنانچه کیفیت زندگی شهروندان مثبت‌ارزیابی شود برای حفظ و ارتقای این سطح زندگی شهروندان نسبت به امورات سیاسی و مشارکت تلاش بیشتری خواهند کرد.

روی هم رفته پژوهش حاضر به بررسی برخی از مهمترین عوامل اثرگذار بر بی‌تفاوتی سیاسی شهروندان شهر اهواز پرداخت. تمام فرضیات پژوهش به جز سن رابطه معناداری با بی‌تفاوتی سیاسی داشتند. اگرچه نتایج پژوهش حاضر در یک شهر به خاطر محدودیت زمانی و مالی محقق انجام گرفته و از این نظر با محدودیت روبه روست اما نتایج پژوهش می‌تواند مورد توجه باشد. ابتدا پیشنهاد می‌شود محققان آینده پژوهشی ترکیبی با رویکرد کیفی - کمی انجام دهند. پژوهش نشان داد بین دین‌داری و بی‌تفاوتی سیاسی ارتباط وجود دارد، بنابراین تدوین سیاست‌های فرهنگی و تبلیغی و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط دو اقدام اساسی در بحث ساماندهی نظام تبلیغی کشور است که نیازمند تمهیدات هماهنگی است. پیشنهاد بعدی این است که تلاش شود تا سطح اعتماد اجتماعی در جامعه افزایش یابد. برای این منظور یکی از راه‌های مناسب در این زمینه عبارت است از اینکه مسئولین در حد امکان به وعده‌هایی که به مردم می‌دهند، عمل نمایند که این امر باعث بهبود سطح اعتماد اجتماعی در جامعه می‌گردد. اعتماد اجتماعی بالا نتایج مفیدی برای جامعه دارد. از یک سو انگیزه مردم را برای مشارکت در سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و همچنین رویدادهای سیاسی افزایش می‌دهد و از سوی دیگر به توسعه و تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی که نقش بسزایی در کاهش بی‌تفاوتی سیاسی افراد ایفاء می‌کند منجر می‌شود. پیشنهاد بعدی در راستای عدالت اجتماعی این است که منابع درآمدی هر شهر به نسبت در آن شهر و بین شهروندان آن منطقه صرف کارهای عمرانی شود. این اقدام می‌تواند به توزیع عادلانه عدالت و در نتیجه افزایش حس عدالت منجر شود که می‌تواند به افزایش مشارکت شهروندان بینجامد.

منابع

- ایمان، محمدتقی، مقدس، علی اصغر. (۱۳۸۱). بررسی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی جوانان مورد مطالعه: شهر شیراز، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۳۵(۳-۴)، ۷۵-۹۵.
- آلموند، گابریل و پاول، بینگهام (۱۳۸۰). چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی. ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- باقریان، مصطفی، خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه مازندران، فصلنامه علوم اجتماعی ۲۴(۷۶)، ۲۱۲-۱۷۵.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). بی‌تفاوتی اجتماعی، ماهنامه ایران فردا، شماره ۱۱.
- پناهی، محمدحسین و یزدان پناه، لیلا. (۱۳۸۳). اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱(۲۶)، ۶۹-۱۰۷.
- پای، لوسین و بایندر، لئونارد و لاپالومبارا، جوزف و وربا، سیدنی و واینر، مایرون (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی دینی، تهران: نشر سخن.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط آتومیک جامعه، دانشگاه تهران: موسسه انتشارات.
- جهانگیری، جهانگیر، محمدی، نسرين. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی رابطه امید سیاسی و بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز) فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران ۷(۱)، ۱۵۰-۱۲۷.
- حبیب پور گنابی، کرم، موسوی خورشیدی، سید حمیدرضا. (۱۳۹۵). رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان قم، مجله رفاه اجتماعی ۱۶(۶۲)، ۳۹۲-۳۵۹.
- چلبی، مسعود؛ (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نی.
- راش، مایکل. (۱۳۹۰). جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- ریعی، علی. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی تحولات ارزشی، نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- رضا پور، داریوش، گلستانی، علیرضا و حق پرست، کاوه (۱۳۹۸). بررسی برخی عوامل جامعه‌شناختی موثر بر بی‌تفاوتی سیاسی مطالعه موردی: جوانان شهر بوشهر، سومین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- روزنامه همشهری آنلاین. (۱۳۹۸). پایین‌ترین مشارکت رقم خورد: جدول مقایسه میزان مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم با دوره‌های قبل، یکشنبه ۴ اسفندماه: ۴۸۶۳۱۰

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری..... 27

- رابرتسون، یان. (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه. ترجمه حسین بهروان، تهران: آستان قدس رضوی.
- زارع، بیژن، روهنده، مجید. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی مطالعه ای درباب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج، مجله مطالعات اجتماعی ایران ۹(۲)، ۶۴-۸۷.
- شاطریان، محسن و حیدری سورشجانی، رسول. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل میزان مشارکت اجتماعی شهروندان (مطالعه موردی شهر بزرک)، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ۴(۱۰)، ۱۹۱-۲۰۹.
- عصر ایران. (۲۰۱۹). وزارت کشور میزان مشارکت در انتخابات مجلس را به تفکیک استان‌ها اعلام کرد. کد خبر ۷۱۶۵۴۵ علمی، محمود. (۱۳۸۷). جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان، زن و مطالعات خانواده، ۱(۱)، ۱۷۶-۱۵۳.
- غفارزاده خوبی، پریسا، صباغ، صمد. (۱۳۹۵). بررسی رابطه کیفیت زندگی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. *مطالعات جامعه‌شناسی* ۹(۳۳)، ۲۵-۳۶.
- فرهمنند، مهناز، و کیلی قاسم آباد، سمیه و پور رجیمان، الهه. (۱۳۹۵). بررسی مشارکت سیاسی جوانان شهر یزد و عوامل مؤثر بر آن، ۱۵(۳۳)، ۳۷-۱.
- قاضی زاده، هورامان، کیانیپور، مسعود. (۱۳۹۴). بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان). *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۱)، ۵۹-۷۸.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۰). چالش‌های توسعه سیاسی. تهران: نشر قومس.
- لیبی، محمد مهدی، خوشفر، غلامرضا، باقریان جلودار، مصطفی، میرزاخانی، شهربانو. (۱۳۹۷). اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در شهروندان شهر گرگان، فصلنامه رفاه اجتماعی ۱۸(۷۰)، ۲۴۰-۲۰۹.
- محبی، سیروس، رستمی، مسلم، کلاتری پور، سمیرا، سلطانی، اقبال. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان در مناطق حاشیه‌نشین شهرها (نمونه مورد مطالعه: مناطق حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه). *علوم اجتماعی*، ۱۰(۳۴)، ۱۴۵-۱۷۲.
- محمدی فر، نجات، مسعودنیا، حسین، شهرام نیا، امیرمسعود، حاتمی، عباس. (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل نقش کیفیت زندگی بر نوع و میزان مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر اصفهان). *توسعه اجتماعی*، ۱۰(۲)، ۱۲۷-۱۵۶.
- نگین تاجی، ریحانه و کشاورز، حمید. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی، فردی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی) کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- هانینگتون، ساموئل و واینر، مایرون. (۱۳۸۹). درک توسعه سیاسی. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی دین. (مترجم. محسن ثلاثی). تهران: تبیان.
- یو، دال سیونگ. (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی. تهران: انتشارات خانه سبز.

- Akah, J. N., & Ajah, A. C. (2020). The changing impact of religiosity on agentic political engagement in Nigeria. *Cogent Social Sciences*, 6(1), 1722-1735.
- Allen, N., & Birch, S. (2015). Process preferences and British public opinion: Citizens' judgements about government in an era of anti-politics. *Political Studies*, 63(2), 390-411.
- Arikan, G., & Bloom, P. B. N. (2019). Religion and political protest: A cross-country analysis. *Comparative political studies*, 52(2), 246-276.
- Barkan, Steven. (1999). Race, issue engagement, and political participation. *Race & society*. 1 (1): 63 – 76.
- Dahl, Viktor and Amnå, Erik and Banaji, Shakuntala and Landberg, Monique and Serek, Jan and Ribeiro, Norberto and Beilmann, Mai and Pavlopoulos, Vassilis and Zani, Bruna (2017) Apathy or alienation? Political passivity among youths across eight European Union countries. *European Journal of Developmental Psychology*, 15 (3). pp. 284-301. ISSN 1740-5629
- Driskell, R., Embry, E., & Lyon, L. (2008). Faith and politics: The influence of religious beliefs on political participation. *Social Science Quarterly*, 89(2), 294-314.
- Djupe, P. A., & Grant, J. T. (2001). Religious institutions and political participation in America. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 40(2), 303-314.
- Esa, N. B., & Hashim, R. B. (2017). Identifying the influence factors on the intention to vote among youths in rural areas. *Journal of Political Science Public Affairs*, 5(4), 292.
- Flavin, P., & Keane, M. J. (2012). Life satisfaction and political participation: Evidence from the United States. *Journal of Happiness Studies*, 13(1), 63-78.
- Henn, M., Weinstein, M., & Hodgkinson, S. (2007). Social capital and political participation: understanding the dynamics of young people's political disengagement in contemporary Britain. *Social Policy and Society*, 6(4), 467-479
- Kitanova, M. (2019). Youth political participation in the EU: evidence from a cross-national analysis. *Journal of Youth Studies*, 1-18.
- Lu Min, ZHAO Yan-xia, JIN Yi-duo (2007) Contemporary University Students' Political Indifference Phenomena Analysis and the Countermeasures, *Journal of Hebei Polytechnic University (Social Science Edition)*
- Ma Man, Lam Wai (2006), An Alternative Understanding of Political Participation: Challenging the Myth of Political Indifference in Hong Kong Pages 473-496 Published online: 11 Dec 2006 <https://doi.org/10.1081/PAD-120019232>
- Marina, G. (2019). Youth political participation: Literature review, available at: https://pjp-eu.coe.int/documents/42128013/47262631/Youth-Political-participation_Lit+review_BRIEF_FINAL.pdf/1ff0bb91-a77b-f52e-25b4-5c8bd45a0c36
- Norris, P. 2011. *Democratic Deficit: Critical Citizens Revisited*. New York: Cambridge University Press.

29.....تبيين جامعه شناختی عوامل مرتبط با بی تفاوتی سیاسی با تأکید بر دینداری

- OECD. (2014). *Women, Government and Policy Making in OECD Countries – Fostering Diversity for Inclusive Growth*. Paris: OECD.
- Papadopoulos, Y. (2013). *Democracy in Crisis? Politics, Governance and Policy*. London: Palgrave.
- Pharr, S. J., and R. D. Putnam. (2000). *Disaffected Democracies: What's Troubling the Trilateral Countries?* Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Papastephanou M (2019). Political Education in Times of Political Apathy and Extreme Political Pathos as Global Ways of Life, *Educational Studies in Japan: International Yearbook* No. 13, March, 2019. pp. 81-95
- Sarker, M. M., & Islam, M. S. (2017). Social Capital and Political Participation: A Case Study from Rural Bangladesh. *European Review of Applied Sociology*, 10(15), 54-64.
- Tamaru, N. and M. O'Reilly. (2018). *How Women Influence Constitution Making After Conflict and Unrest*. Washington, D.C.: Inclusive Security.
- Tain, Feng. (2018) "Political Indifference" or "Political Concealment"? the Analysis of Youth Political Participation in Internet Context, CHINA ACADEMY OF SOCIAL SCIENCES, China, Location: 718B MTCC SOUTH BUILDING
- UNDP *Accelerating Gender Equality and Women's Empowerment in Africa. (2016). Africa Human Development Report*. New York: Regional Bureau for Africa.
- Weitz-Shapiro, R., & Winters, M. S. (2008). *Political participation and quality of life* (No. 638). Working Paper.